



# بررسی سیر و تحول شعر پایداری کشور فلسطین در قرن بیستم

محمدعلی ترکمان عزیز\*

لذا در قرن بیستم گرایش به سمت شعر پایداری «مقاومت» در فلسطین به اوج می‌رسد، و دچار فراز و نشیب‌های زیادی می‌گردد، که در این مقال سعی کرده‌ایم، سیر تحولات ادبی، سبکی، و موضوعی این نوع شعر را بر اساس یک تقسیم‌بندی زمانی، بررسی کنیم.

## شعر فلسطینی قبل از سال ۱۹۱۷م.

درحقیقت شعر فلسطینی در این دوره دچار یک ضعف و سستی شدیدی شده است، که علت اصلی آن حاکم شدن ترک‌ها بر کشور فلسطین بوده است، چرا که حکام ترک به ادب و زبان عربی آنچنان که شایسته بود توجه نداشتند، و سعی داشتند که زبان ترکی را به عنوان زبان رسمی معرفی کنند، لذا در روزنامه‌ها و مجلات از زبان ترکی استفاده می‌کردند. تا جایی که اعراب حق منتشر کردن روزنامه یا مجله‌ای به زبان عربی را نداشتند. به این علت شعر فلسطینی در اواخر قرن ۱۹ میلادی و ربع اول قرن بیستم دچار یک انحطاط شد، به این صورت که یک زبان شعری به وجود آمد که خالی از بلاغت و استحکام خاص زبان عربی بود، و در واقع یک شعر عامی است که به سادگی مشخص است که گوینده شعر به اسلوب زبان عربی تسلط کافی ندارد.<sup>۱</sup>

به این خاطر چه در زمینه شعر مقاومت و چه در سبک‌های دیگر شعری این ضعف و کم‌توجهی را به وضوح می‌بینیم. لذا به

درگیری و نزاعی که در اوایل قرن گذشته در کشور فلسطین به وجود آمد، و تا امروز هم ادامه یافته است، تبدیل به یکی از رویدادهای جهان امروز شده، که فکر همه سیاستمداران و متفکرین جهان خصوصاً اعراب و مسلمانان را به خود مشغول کرده است. این مبارزه علناً در سال ۱۹۴۸ م. رخ داد، و مردم بی‌گناه فلسطین را وارد درگیری و جنگی جدید کرد. اما فلسطین به عنوان یک کشور عربی همواره هویت خود را حفظ کرده، و برای میراث فرهنگی و ادبی خود ارزش زیادی قائل بوده است، و با وجود تأثیرپذیری از تحولاتی که در منطقه رخ داده بود، همواره کاروان علم و ادب این سرزمین از همراهی با سایر کشورهای عربی بازمانده است، حتی شاهد ظهور سبک‌های ادبی جدیدی بوده‌ایم که نمونه بارز آن شعر پایداری «مقاومت» است.

بدون شک یکی از مهم‌ترین پدیده‌های ادبی معاصر عرب که درگیری مردم فلسطین با یهودیان اشغالگر سهم بزرگی در نمو و ظهور آن داشته است، شعر مقاومت یا پایداری می‌باشد. و از آنجا که این شکل از ادبیات ارتباط مستقیمی با جوانب مختلف زندگی مردم مثل دین، سیاست، اقتصاد، فرهنگ و تاریخ، پیدا کرده است، شاهد آن هستیم که شعرا و ادبای کثیری روی به این شکل از ادبیات آورده‌اند، و تبدیل به مبارزینی در میدان ادبیات شده‌اند، که ارزش آن از مبارزه مستقیم نظامی کمتر نیست.



سبب اطلاعات کلام از آوردن نمونه‌های شعری در این دوره پرهیز می‌کنیم.

### شعر مقاومت فلسطینی بین سال‌های ۱۹۱۷م تا ۱۹۴۸م:

این دوره از شعر مقاومت که به عنوان دوره «انتداب» نامگذاری شده، همزمان است با قرارداد «بلفور» که بر اساس این قرارداد کشور استعمارگر انگلستان نماینده کشور فلسطین در سازمان ملل گردید. این امر درگیری خونینی را در فلسطین در پی داشت، که در این مبارزات شعر به عنوان یک سلاح جنگی برای فلسطینی‌ها به شمار می‌رفت، چرا که شعرا در این دوره در کنار مردم زندگی می‌کردند، و از مصیبت‌های آنها بی‌نصیب نبودند. لذا حرکت اولیه و بنیادی به سرودن اشعار مقاومتی را ما در این دوره شاهد هستیم، که آن هم تلاشی جز آشکار کردن حق از باطل نبود، بنابراین در ابتدا به بررسی مضامین شعری در این دوره یعنی «انتداب» می‌پردازیم.

### مضامین شعری در دوره «انتداب»

اگر نظری اجمالی در شعر مقاومت در این دوره بیندازیم، درمی‌یابیم که شعرای مقاومت در دو جبهه وارد نبرد می‌شوند. اولاً سعی دارند ظلم و جور استعمار بریتانیا را به تصویر بکشند و دوم به جنبه دیگر این ظلم و ستم یعنی صهیونیست‌ها که به‌طور مستقیم به خاک آنها تجاوز کرده می‌پردازند. به این علت شاید از مهم‌ترین مضامین و اغراض شعر مقاومت در این دوره بتوان، موارد زیر را

ذکر کرد:

### الف) شناساندن دشمن و محکوم کردن عهدنامه «بلفور»:

در این میان شعرای زیادی قلمسرای کرده‌اند که از مهم‌ترین آنها ابراهیم طوقان را می‌توان نام برد، او انگلیسی‌ها را خطاب قرار می‌دهد و می‌گوید:

منذ احتلتهم و شؤم العیش یرهقنا  
وکان وعدا تلقیناه ابعاد

«آن هنگام که شما کشور را اشغال کردید بدبختی، زندگی ما را مورد تاخت و تاز قرار داد و ما آن وعده آزادی را که شما داده‌اید به عنوان یک تهدید تصور می‌کنیم».

او کلام خود را با کمی سخره درهم می‌آمیزد و می‌گوید:

خجلنا من لطفکم یوم قلتم

«وعد بلفور نافذ لا محالة»

«ما از لطف و محبت شما آن روزی که گفتید عهدنامه بلفور بدون شک اجرا می‌شود شرمنده شدیم».

و عرفنا بکم صدیقاً و فیاً

کیف ننسی انتدابیه و احتلاله<sup>۲</sup>

«و شما را شناختیم که چه دوست وفادار و صادقی هستید پس چگونه انتداب و اشغال را از یاد ببریم؟»

چگونه انتداب و اشغال را از یاد ببریم؟»



در این ابیات ابراهیم طوقان به صراحت بیان می‌کند که عهدنامه بلفور جز وعده‌ای پوچ نبوده است حتی به نظر او این عهدنامه بیشتر شبیه یک تهدید است، او در بیت آخر کلمه احتلال را معطوف به کلمه انتداب می‌کند، تا این مفهوم را بفهماند که این عهدنامه با اشغال و ظلم همراه بوده است.

از دیگر شعرای مقاومت در این دوره محیی‌الدین الحاج عیسی است، که با بدبینی نسبت به عهدنامه «بلفور» آن را شوم و نحس می‌داند و اینچنین می‌سراید:

کم کان وعدک یا بلفور مشأمة  
أعوذ بالله من شؤم المواعید ۳

«ای بلفور چقدر وعده تو شوم و نحس بود، به خدا پناه می‌برم از نحوست این وعده‌ها».

### ب) دعوت به اتحاد و حفاظت از وطن با پشتکار:

شعرای مقاومت در این دوره با هشدار به ملت و آگاه کردن آنها به خطرات مختلفی که آنها را تهدید می‌کند، سعی در متحد و منسجم کردن ملت خویش دارند، لذا در این میان ابراهیم طوقان چنین می‌گوید:

الله ثم الله ما أحلى التضامن والوفاقا

کم من فؤاد راق فيه ولم یکن من قبل راقا شدوا<sup>۴</sup>

«پروردگارا چقدر همپیمانی و همبستگی شیرین است چه قلب‌هایی مشتاق آن شدند که از قبل نبودند».

ابراهیم الدباغ هم این نکته را مد نظر گرفته و دربارهٔ اتحاد و کار و تلاش بدون خستگی اینگونه بیان می‌کند:

عودوا لجمع الشمل بعد فرقه

طویلة حبا بتوثیق العری

«باز گردید و بعد از جدایی طولانی دوباره به خاطر عشق به صداقت و دوستی، متحد و همپیمان شوید».

لا نام أهلوها ولا کل أبنائها

سعیاً و ان سיעه سوف یری<sup>۵</sup>

«برای هیچ شخص یا فردی از فرزندان وطن جز سعی و کوشش نیست، و این تلاشی است که در آینده نتیجه آن دیده می‌شود».

کلماتی که در ابیات برگزیده این دو شاعر به کار رفته، دلیلی بر این ادعا است که شعرا همدلی و همبستگی ملت را راهی برای پیروزی می‌دانند.

### ج) بیان جنایات صهیونیست‌ها

این موضوع در شعر بیشتر شعرای این دوره به وفور دیده می‌شود، در این میان ابراهیم طوقان و برهان‌الدین العبوشی، نقش بیشتری در بر ملا کردن این جنایات ایفا می‌کنند. برهان‌الدین العبوشی با شجاعت و جسارت اینگونه به روشنی می‌گوید:

أرهقتمونا و قریتم منایانا

والیوم تبغوننا نسی ضحایانا

«به ما ظلم کردید و ما را به مرگمان نزدیک کردید و امروز نیز به ما جور می‌کنید تا قربانیان را فراموش کنیم».

لم تتركوا فوقها أنثی ولا ذکرا

الا قتلتم له أهلا و إخوانا

«مرد و زنی را در روی زمین رها نکردید مگر اینکه خانواده و برادرانش را به قتل رساندید».

ولم تراعوا لاهل الدین حرمتهم

بل انتبذتم وراء الجور صبیانا<sup>۶</sup>

«حرمت اهل دین را بجا نیاوردید و بعد از اینکه جور و ستم کردید فرزندان و کودکان ما را به حال خود رها کردید».

عبوشی در این ابیات به جنایاتی چون ترور، کشتار زنان و بچه‌ها، و بی‌احترامی به مقدسات دینی اشاره می‌کند.

د) ترانه‌سرایی به عشق و وطن

از موضوع‌های جالب و زیبا در این دوره این بود که شاعر خود را عاشقی شیفته و شیدا و وطن را معشوقی دلربا تصور می‌کند، و به عشق او ترانهٔ عاشقانه سر می‌دهد، یا اینکه در قالب یک ترانه، تمامی ویژگی‌های دوست‌داشتنی را با هنرنمایی و استفاده از عبارتهای محکم زبان عربی به وطن نسبت می‌داد.

از مشهورترین این سروده‌ها قصیده «موطنی» از ابراهیم طوقان است؛ که دارای موسیقی دلنشین و جذابی است؛

موطنی: الجلال و الجمال و السناء و البهاء فی رباک

والحیة والنجاة والهناء والرجاء فی هواک

هل أراکم؟ سالما منعما و غانما مکرما

هل أراکم فی علاک تبلیغ السماک؟ موطنی

موطنی الحسام و البیراع و النزاع رمزنا

مجدنا و عهدنا و واجب الی الوفا یهزنا<sup>۷</sup>



## اسلوب شعری این دوره

از آنجا که در هر عصر از ادبیات عرب اسالیب شعری بر اساس مقتضای زمان و محیط دچار تغییر شده‌اند، اسلوب شعری، شعر مقاومت در دوره انتداب با تغییراتی مواجه شده که به بعضی از آنها به اختصار اشاره می‌کنیم:

از نظر اسلوب شعری اگر در بعضی از اشعاری که ذکر شد، نظر کنیم درمی‌یابیم که **اسلوب خطابی** بر شعر غلبه داشته، و شاعرانی چون ابراهیم طوقان، و ابراهیم الدباغ به این امر توجه خاصی داشته‌اند، به طوری که اگر به قصیده «الثلاثاء الحمراء» (سه شنبه خونین) از ابراهیم طوقان مراجعه کنیم، این اسلوب خطابی به روشنی به چشم می‌خورد.<sup>۸</sup>

شعراى این دوره به شکل خاصی رو به نمایشنامه‌نویسی آوردند، به طوری که نمایشنامه‌نویسی به شکل یک قالب شعر مقاومت درآمد. شاید علت آن هم این بود که شعرا دریافتند که در قالب نمایشنامه می‌توانند جنبه‌های مختلف زندگی مردم فلسطین چه از نظر تاریخی و چه از نظر فرهنگی را به تصویر بکشند. از این نمایشنامه‌ها می‌توان به نمایشنامه «وطن الشهید» از برهان‌الدین العبوشی اشاره کرد. در این نمایشنامه که از پنج فصل تشکیل شده، به صورت مفصل درباره انقلاب ترک‌ها و توطئه صهیونیست‌ها و چگونگی روی کار آمدن یهودیان و همچنین انتفاضه مردم فلسطین و آمادگی دولت‌های عربی برای کمک به فلسطینی‌ها، سخن به میان می‌آورد. لذا در این دوره شعر مقاومت شکل **قصصی و داستانی** به خود می‌گیرد.

از جمله سبک‌های رایج در این دوره سبک **کلاسیکی و سنتی** است، بیشتر شعرا در این دوره به این سبک روی آوردند. شعراى مقاومت در این زمان هیچ وقت نتوانسته‌اند از قید و بند تقلید رهایی یابند، و پیوسته در اشعار خود عمود شعر گذشته‌گان را حفظ کرده‌اند، و اگر هم تغییری وجود داشت، بسیار جزئی و آن هم در موضوعات شعری بوده است، مثلاً شعراء برای هر حادثه یا مناسبتی شعری در همان قالب سنتی و کلاسیکی می‌سرودند که این اشعار بیشتر رنگ و بوی شعر دوره عباسی را به خود می‌گیرد.

به طور کلی گرایش به پیروی از سبک سنتی بیش از هر سبکی دیگر مورد توجه شعراى مقاومت فلسطینی در این دوره بوده است. البته ناگفته نماند که ویژگی‌های سبک رمانتیکی «رومانسی» به

ندرت در این دوره به چشم می‌خورد، به طوری که شعراى اندکی که در سبک کلاسیکی و سنتی مهارت کافی نداشتند، روی به این سبک می‌آوردند؛ از جمله آنها می‌توان به ابوسلمی، مطلق عبدالخالق، اشاره کرد.

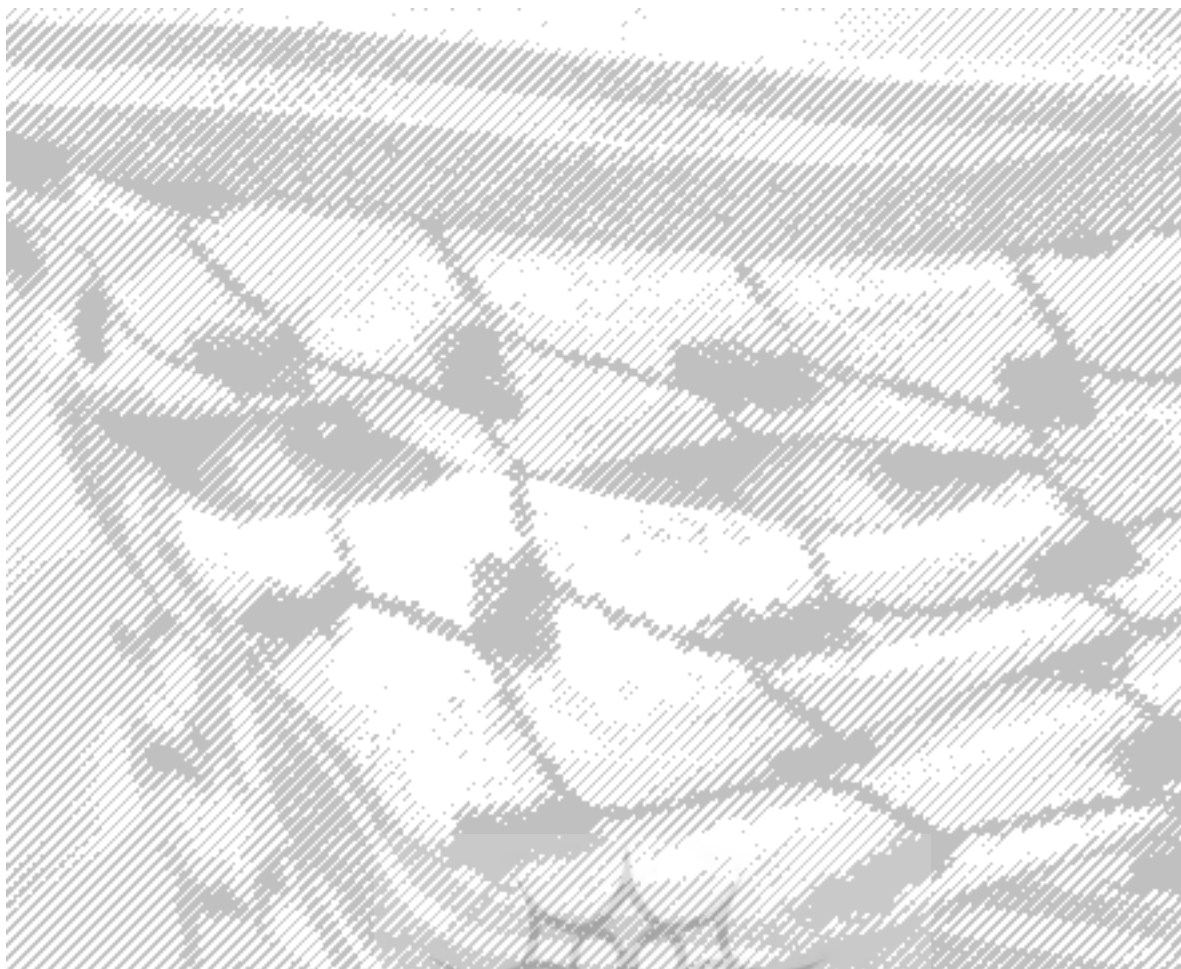
اما به صورت کلی می‌توان به این نکته اشاره کرد که ویژگی‌ها و خصوصیات سبک **رنالیسم** در شعر شعراى کلاسیکی مشهود و واضح است. این شعرا سهولت و بساطت را در کلمات و لغاتی که انتخاب می‌کردند، مد نظر داشتند. با انتخاب این کلمات و مفردات به سادگی می‌توانستند به افکاری که در سر داشتند اشاره کنند. اما باید توجه داشت که شعراى این دوره هرگز **وحدت موضوعی و اسلوب گزارشی** را در آثار منظوم خود از یاد نبردند، و به ندرت از موضوع اصلی خود خارج می‌شوند.

در پایان بحث شعر در دوره انتداب بهتر است درباره زبان شعر و خصوصیات آن صحبت کنیم. شعر مقاومت در این دوره پر از صنعت‌های بیانی و بدیعی است و شعرا با الفاظ و کلمات خود سعی داشتند تا آنجا که ممکن است به زیبایی عبارات خود بیفزایند و هیچ کس از این امر مستثنی نبود جز اسکندر خوری البیتالیجی که به قول برخی از ادبا اندوخته او از میراث شعر سنتی بسیار اندک بود چرا که زبان شعری او نزدیک به زبان کوچه و بازار بوده است.<sup>۹</sup>

بنابراین گرایش به سوی تزئینات و زخارف سنتی در شعر مقاومت این دوره به خوبی به چشم می‌خورد اما از سال ۱۹۲۴ م به بعد، بعضی از حرکات جهت خارج شدن از این قید به چشم می‌خورد و آن هم به خاطر سرودن شعر در مضامین ملی و حوادث و اتفاقات قومی و سیاسی بود. لذا اندکی از سهولت و بساطت سبک رنالیسم را در انتقال افکار و احساسات و عواطف می‌بینیم.

### شعر مقاومت فلسطینی بعد از سال ۱۹۴۸ م:

سال ۱۹۴۸ م. برای فلسطینی‌ها یادآور خاطرات وحشتناکی از جنگ و نبرد است، و به این خاطر به سال «النکبة» نامگذاری شده است، از این تاریخ به بعد تأثیراتی نسبتاً ملموس بر تمام جوانب زندگی مردم فلسطین به وجود آمد، این تحولات بر پیکره ادب و شعر مقاومت تأثیر گذاشت و آن را وارد مرحله جدیدی از مبارزه ادبی کرد، به طوری که هم‌اکنون به جرأت می‌توان گفت شعرا در این دوره موضوعی مهم‌تر از مقاومت و مبارزه با سلاح شعر پیدا نکردند، چرا که این مسأله با اهداف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی



آنها در هم آمیخته بود.

قد أصیب أصابها الاغماء  
«گفتند که فلسطین، این عروس شرق دچار مصیبت شده، و به خاموشی فرورفته است».

فجأة وانطوى البساط و جفت  
خمرة الكأس، واختفى الندماء  
«گلیمها و فرشها همگی جمع شدند، جامهای خمر خشک شدند و پیمانهای شراب همه محو شدند».

فإذا الموطن العزيز ذلیل  
و إذا الأهل أهله غرباء<sup>۱۱</sup>  
«پس سرزمین گرامی و استوار ما خوار و ذلیل شد و اهالیش در داخل وطنشان غریب و بیگانه شدند».

(ب) سروده‌های در ذکر شهدا و فداکاری:  
با وجود نبردها و مبارزات نظامی نابرابری که در این دوره درگرفت مردم داغدار بسیاری از فرزندان خود شدند، که در راه وطن یکی پس از دیگری به شهادت می‌رسیدند. در بین این شهدا شاعرانی هم پیدا می‌شدند که به خاطر افشاگری‌هایی که با شعر خود می‌کردند، در معرض ترور یا قتل در زندان قرار می‌گرفتند.

لذا سرودن اشعاری در رثایی شهداء و تقدیس شهادت، مورد عنایت بسیاری از شعرای مقاومت در این دوره قرار گرفت. از بین اشعار مقاومتی دورهٔ نکتة قصیده «غابة القسطل» از هارون رشید نمونه خوبی برای این موضوع است:

أننسى الشهيد شهيد الكفاح

در این مجال دکتر عبدالرحمن الکیالی یکی از برجسته‌ترین محققین در زمینهٔ ادب مقاومت می‌گوید: «در این دوره از شعر مقاومت، بر شعرا واجب می‌آمد که به شجاعت و بی‌پروایی مسلح شوند و به نیرو و قدرت کلمه و شعر ایمان بیاورند و ادب و ذوقشان را در این مأموریت مقدس مستعد و آماده نگه دارند».<sup>۱۰</sup>

مضامین شعری بعد از سال نکتة:

(الف) به تصویر کشیدن جنگ و مصیبت‌ها و بدبختی‌ها ناشی از آن:

شعر در این دوره الهام گرفته از مشکلات و مصائبی بود که در آن زمان بر زندگی ملت فلسطین حاکم شده بود لذا همه شعرا این امر را در شعر خود لحاظ می‌کردند. از بین این شعرا هارون رشید به این مصائب این‌گونه اشاره می‌کند:

یا نفسی و یا لحرقة نفسی

طوى الحب و الهوى و الهناء

«ای روح من، و عجب از شور و شوقش، چرا که عشق و دلدادگی

و سعادت همه در روح من پیچیده شدند».

أنا بعد الذی أصاب بلادی

من بلاء كأنه بكماء

«من بعد از مصیبتی که سرزمینم دچار شد، گویی که روحم در

کما بسر می‌برد».

و فلسطین غادة الشرق قالوا



### شهید فلسطین فی القسطل

«آیا شهید مبارزه و شهید فلسطین در منطقه قسطل را فراموش

می‌کنیم؟»

**أننساه و هو یمد یدیه**

**الی التار لهفه مستقل**

«آیا او را فراموش می‌کنیم در حالی که او با حسرت و حزن

مخصوصی دستش را به طرف انتقام کشیده است؟»

**و عیناه بالتار ترمی الشرار**

**تنفت من صدره المشتعل**

«و چشمانش شعله‌های آتش را با آتشی که از سینۀ افروخته‌اش

بلند می‌شود، پرتاب می‌کند.»

**سنأتیک رغم الأسی و الدموع**

**سنأتیک بالأمل الأجل**

«علی‌رغم حزن و گریه و اشک، با تمام آرزوهای زیبا، به زودی

نزد تو خواهیم آمد.»

**عداً سنعود الی مجدنا**

**الی الحقل، للکرم، للمنزل**

«فردا به بزرگی و عظمتمان بر خواهیم گشت و به کشتزارها و

باغ‌های انگور و خانه‌هایمان بازمی‌گردیم.»

**سنزوع أشجارنا هناک**

**سنزوعها فی الغد المقبل<sup>۱۳</sup>**

«و در فردایی نزدیک، درختانمان را در آنجا خواهیم کاشت.»

**ج) تقدیس و تخلید وطن**

این موضوع از مضامین کلی است که همه شعرا به آن توجه

خاصی داشتند، خصوصاً محمود درویش که در این میدان به آوازه

بلندی دست یافته است، به عنوان مثال می‌توان به قصیده «الوطن»

اشاره کرد:

**هذه الأرض لی و کنت قدیماً**

**أحلب النوق راضياً و موله**

«این سرزمین من است و از قدیم در آن بوده‌ام و در آن با خوشی

و خرمی شتر می‌دوشیدم (با راحتی و خوشی زندگی کردن)»

**و طنی لیس قصةً أو نشیداً**

**لیس ضوءاً علی سؤالف فله...**

«وطن من داستان یا سروده‌ای نیست، و وطن من پرتوی از

گذشته شکست‌خورده نیست.»

**... و ریاح ضافت بحجرة سجن**

**و عجوز یبکی بنیه حقله**

«و بادها به سنگ‌چین‌های زندان می‌وزند، گویی که به مهمانی

می‌آیند و پیرزنی به خاطر فرزند و مزرعه‌اش گریه می‌کند.»

**هذه الأرض جلد عظمی و قلبی..**

«این سرزمین پوست و استخوان و قلب من است.»

**فوق أعشابها یطیر کنحله**

«و قلبم مانند زنبوری بر روی مرغزاهای آن به پرواز در

می‌آید.»

**علقونی علی جدائل نخله**

**واشنقونی فلن أخون النخلة<sup>۱۴</sup>**

«مرا از گیسوان نخل آویزان کنید و یا اگر مرا به دار آویزان کنید

ولی هرگز به نخل خیانت نمی‌کند.»

شاعر در این ابیات بیان می‌کند که حتی اگر کشته شود، به

وطن خود خیانت نمی‌کند و قلب او همیشه در عشق رسیدن به وطن

است. او پیوسته در اشعارش سعی دارد امید و آرزو به آینده سرزمین

خود را در دل مردم زنده نگه دارد.

این پایداری و مبارزات مداوم شعرا، بدون عکس‌العمل از طرف

مقابل همراه نبود، به طوری که اسرائیلی‌ها درصدد جلوگیری از نشر

و پخش اشعار آنها پرآمدند و برای این هدف از طرق مختلفی وارد

عمل می‌شدند، مثلاً دست به ترور و شکنجه و زندانی کردن شعرا

می‌زدند که از مهم‌ترین جنایات‌های آنها می‌توان به تبعید اشاره کرد.

لذا در شعر پایداری در این دوره آثار این تعذیبات به وفور به چشم

می‌خورد. اما این شعرا حتی در داخل زندان و تبعید هم دست از

مبارزه و مقاومت برنداشتند چرا که آنها رسالت مقدسی را برگزیده

بودند.

از جمله این مبارزین می‌توان به محمود درویش که یکی از

پرواژه‌ترین شعرای مقاومت در این دوره است، اشاره کرد. زندان‌ها

و تبعیدهای این شاعر گواه خوبی بر این ادعا است. او پایان عمر

از مسیری که انتخاب کرده بود خسته و ملول نشده و تا پایان عمر

پرچم رسالت خود را به صورت شایسته‌ای حمل کرد.

از جمله قصاید او می‌توان به قصیده «الرسالة من المنفی

(نامه‌ای از تبعیدگاه)» اشاره کرد:



هل يذكر المساء مهاجراً أتى هنا...

و لم يعد إلى الوطن الوطن؟

«وطن؟ آیا غروب را به یاد می‌آوری که مسافری به اینجا آمد...

و به وطن برگشت».

هل يذكر المساء

مهاجراً مات بلا كفن؟

«آیا غروب را به یاد می‌آوری مسافری که بدون کفن مُرد»

يا غابة الصفا! هل ستذكرين

أن الذي رموه تحت ظلك الحزين

«ای جنگل درخت بید! آیا کسی را که در زیر سایه عمیق تو تیر

زدند به یاد خواهی آورد».

هل تذكرين أننى إنسان

«آیا یاد می‌آوری که من انسان هستم».

و تحفظين جثتى من سطوة الغربان؟ و أنت يا أمه

«آیا جسد من را از یورش کلاغ‌ها محافظت می‌کنی؟» «و تو

ای مادر...»

و والدى، و إخوتى، و الأهل، و

«و پدرم و برادر و خواهرم، خانواده و دوستانم».

لعلكم أحياء، لعلكم أموات، لعلكم مثلى بلا عنوان

«شاید شما زنده باشید، یا اینکه مرده باشید، شاید هم مثل من

بدون آدرس باشید».

ما قيمة الإنسان

بلا وطن، بلا علم

«ارزش انسانی که بدون وطن و پرچم...».

و دونما عنوان

ما قيمة الانسان؟<sup>۱۴</sup>

«و بدون آدرس خانه‌اش است چیست؟».

شاعر طعم تلخ زندگی در زندان و محرومیت را چشیده است و

در قصیده‌ای به عنوان «السجن (زندان)» می‌گوید:

تغیر عنوان بیتی

و موعد أكلی

«آدرس خانه‌ام و زمان غذا خوردنم تغییر کرد»

و مقدار تبغی تغیر

و لون ثیابی، و وجهی، و شکلی<sup>۱۵</sup>

«مقدار تنباکو و رنگ لباسم و صورت و شکلم عوض شده

است»

### اسلوب شعری

اما اگر به اسلوب شعر در این دوره بپردازیم، تغییر چندانی از

آنچه در دوره قبل حاکم بود به چشم نمی‌خورد، و در واقع همان

سبک خطابی گزارشی و شعر قصصی همراه با نمایشنامه، که در

دوره انتداب بر ساختار اشعار مقاومت حاکم بود در این دوره نیز به

چشم می‌خورد.

اما در اوایل این دوره یعنی از سال‌های ۱۹۴۸م تا ۱۹۶۰م

گرایش به سمت سبک قدیمی و کلاسیکی در بین شعرا دیده

می‌شود البته با کمی تغییر در مضامین آن، به طوری که این سبک

بیشتر در اشعار سیاسی رایج بود، و شعرای سعی داشتند بر اساس

موضوعی که در شعر دنبال می‌کردند، ویژگی خاصی به ساختار

سروده خود بدهند. مثلاً در اشعار ملی و حماسی بیشتر اوقات از

الفاظ محکم و قوی استفاده می‌کردند، یا وقتی دربارهٔ نکتة و مصائب

ناشی از آن سخن به میان می‌آوردند، از الفاظی که پر از غم و اندوه

و حزن است، استفاده می‌کردند.

شاید گرایش شعرا به سبک کلاسیکی در حقیقت به خاطر

موسیقی خاصی است که به دلیل التزام به وزن و قافیه به وجود

می‌آید ولی اگرچه از نظر شکل و هیكل شعر کاملاً قدیمی است اما

از نظر موضوعی شکل جدیدی به خود می‌گیرد و در واقع مضامین

جدید راهی به درون ساختار کلاسیکی باز کردند.

اما میل به سبک رمانتیکی «رومانسی» دوره نکتة برخلاف

دوره انتداب بیشتر به چشم می‌خورد. شعرا به این سبک روی

می‌آوردند تا قادر باشند با زبانی عامیانه دردها و رنج‌ها و

مصیبت‌هایی که از نکتة حاصل شده بود و همچنین خشم و

عصبانیت خود را به تصویر بکشند. لذا با آزادی کامل الفاظ خود

را انتخاب می‌کردند و سهولت و بساطت و وضوح و انسجام بین

الفاظ و معانی را مد نظر داشتند، لازم به ذکر است بعضی اوقات

برخی مبدعین در این سبک دچار ابتدال و ضعف می‌شوند. و این

هم به خاطر آزادی و اختیار عملی بود، که این سبک در اختیار

آنها می‌گذاشت.<sup>۱۶</sup>

از جمله شعرای رومانسی (رومانتیک) در این دوره می‌توان به

سمیح القاسم و محمود درویش اشاره کرد.



ترجمه: عدنان حسن و زیاد منی، بیروت، لبنان، دار قدمس للنشر و التوزيع، سنة ۲۰۰۴م.

۳- د. سلمی الخضراء الجیوسی، موسوعة الادب الفلسطيني، بیروت، الطبعة الاولى، المؤسسة للدراسات و النشر، ۱۹۹۶م.

۴- د. ناصرالدين الاسد، محاضرات في الشعر الحديث في فلسطين و الاردن، چاپ مؤسسه جهانی پژوهش‌های عربی دانشگاه الدول العربية.

۵- د. واصف أبو الشباب، شخصية فلسطينی في الشعر الفلسطيني، ج ۱، بیروت، دارالعودة، سنة ۱۹۸۱م.

۶- د. عبد الرحمن الكیالی، الشعر الفلسطيني في النكبة فلسطين، المؤسسة العربية للدراسات و النشر، بیروت، الطبعة الاولى، سنة ۱۹۷۵م.

۷- سمیح القاسم، دیوان شعر، بیروت، دارالعودة.

۸- غسان كنفانی، الأدب الفلسطيني المقاوم تحت الاحتلال، بیروت، ۱۵ نیسان، ۱۹۶۸م.

۹- فائز العراقي، شعر الإنتفاضة في البعدين الفكري و الفني، دمشق، داراتحاد الكتاب العرب، ۱۹۹۵م.

۱۰- فؤاد رفقة، الشعر و الموت، بیروت، دارالنهار للنشر، سنة ۱۹۷۳م.

۱۱- كامل السوافیری، الشعر العربي الحديث في مأساة فلسطين من سنة ۱۹۱۷م الى سنة ۱۹۴۸م، مكتبة نهضة، مصر، الطبعة الأولى، سنة ۱۹۲۶م.

۱۲- محمود درويش، دیوان درويش المجموعة الكاملة، دار العودة، ۱۹۷۱م.

۱۳- محمود درويش، شبي عن الوطن، الطبعة الأولى، بیروت، دار العودة، ۱۹۷۱م.

۱۴- محمود درويش، يوميات الحزن العادي، بیروت، المطبعة: المؤسسة العربية للدراسات.

۱۵- مجلة الجامعة الاسلامية، المجلد العاشر، العدد الاول، سنة ۲۰۰۲م.

۱۶- مجلة المؤسسة البيان للصحافة و الطباعة و النشر، العدد، ۱۸۷، سنة ۲۰۰۳م.

۱۷- يحيى ذكريا الآغا، جماليات القصيدة في الشعر الفلسطيني المعاصر، الدوحة، الطبعة الأولى، دار الثقافة، ۱۹۹۶م.

سبک رئالیسم در این دوره به صورت غیرارادی در بین تمامی شعرا رواج داشت و سعی در تجدید و نوآوری در شکل و موضوع و رهایی از قیود قصیده قدیم را داشتند، و به وقایع و حوادث و مناسبت‌ها توجه می‌دانند، به طوری که وقتی به زبان شعر در این دوره توجه می‌کنیم بیشتر رنگ‌ها و بوی سبک رمانتیکی به چشم می‌خورد.<sup>۱۷</sup>

#### پی‌نوشت:

\* کارشناس ارشد زبان و ادبیات عرب  
۱. محاضرات في الشعر الحديث في فلسطين و الاردن، د. ناصرالدين الاسد، ص ۲۷ - ۲۸.

۲. دیوان، ابراهیم طوقان، ص ۲۱۱.

۳. مخطوطات خاصة، محیی‌الدین الحاج عیسی (بدون معلومات أخرى)

۴. دیوان ابراهیم، ابراهیم طوقان، ص ۲۳.

۵. في ظلال الحرية، ابراهیم الدباغ، ص ۶۳.

۶. جبل النار، برهان‌الدین العبوشی، ص ۹۸.

۷. الشعر الفلسطيني في نكبة فلسطين، ص ۱۷۲.

۸. همان، ص ۱۷۳.

۹. شخصية فلسطينی في الشعر الفلسطيني، د. واصف أبو الشباب، ص ۳۰.

۱۰. الشعر الفلسطيني في نكبة فلسطين، د. عبد الرحمن الكیالی، ص ۲۷۸.

۱۱. الشعر العربي في مأساة فلسطين من سنة ۱۹۱۷م الى ۱۹۴۸م، كامل السوافیری، ص ۴۵۷.

۱۲. همان، ص ۴۵۵.

۱۳. دیوان محمود درويش، جلد اول، قصيدة «الوطن» ص ۲۳۱.

۱۴. دیوان محمود درويش، جلد اول، ص ۳۸ - ۳۹.

۱۵. دیوان محمود درويش، جلد اول، ص ۱۰۳.

۱۶. شخصية فلسطينی في الشعر الفلسطيني، د. واصف أبو الشباب ص ۱۵۵.

۱۷. همان، ص ۲۱۱.

#### منابع و مأخذ

۱- توفیق زیاد، عن الادب الشعبي الفلسطيني، بیروت، دارالعودة، ۱۹۷۰م.

۲- توماس طمس، نیلزلمکه، جدید فی تاریخ فلسطین قدیمه،